

گروه فعلی و ویژگی های آن

آموختیم که **مهم ترین** عضو گزاره، گروه فعلی است که معمولاً با شناسه همراه است.
فعل پنج ویژگی دارد :

(۱) شخص (۲) زمان (۳) گذر (۴) وجه (۵) معلوم و مجهول
برخی از ویژگی های فعل از جمله **شخص**، **زمان** و **گذر** را سال گذشته آموختیم و دانستیم که :

(۱) شخص

فعل شش شخص دارد :

گوینده) اول شخص مفرد = رفتم.	گویندگان) اول شخص جمع = رفتیم.
شنونده) دوم شخص مفرد = رفتی.	شنوندگان) دوم شخص جمع = رفتید.
دیگری) سوم شخص مفرد = رفت.	دیگران) سوم شخص جمع = رفتند.

(۲) زمان

فعل سه زمان اصلی دارد :

(۱) ماضی ساده = بن ماضی + شناسه های ماضی : رفتم، رفتی، رفت، رفتیم، رفتید، رفتند

(۲) ماضی استمراری = می + ماضی ساده : می رفتم، می رفتی، می رفت، می رفتیم، می رفتید، می رفتند

(۳) ماضی بعید = صفت مفعولی + بودم، بودی، بود، بودیم، بودید، بودند :
رفته بودم، رفته بودی، رفته بود، رفته بودیم، رفته بودید، رفته بودند

(۴) ماضی التزامی = صفت مفعولی + باشم، باشی، باشد، باشیم، باشید، باشند :
رفته باشم، رفته باشی، رفته باشد، رفته باشیم، رفته باشید، رفته باشند

(۵) ماضی نقلی = صفت مفعولی + ام، ای، (است)، ایم، اید، اند : رفته ام، رفته ای، رفته است، رفته ایم، رفته اید، رفته اند

الف) ماضی

(ب) مضارع*
 (۱) مضارع اخباری = می + بن مضارع + شناسه های مضارع : می روم...
 (۲) مضارع التزامی = ب + بن مضارع + شناسه های مضارع : بروم...

(پ) آینده
 آینده = خواهم، خواهی، ... + بن ماضی :
 خواهم رفت ...

* در زبان فارسی چند زمان دیگر نیز وجود دارد؛ از جمله :

<p>داشتم می رفتم، داشتیم می رفتیم داشتی می رفتی، داشتید می رفتید داشت می رفت، داشتند می رفتند</p>	}	<p>ماضی مستمر + ماضی استمراری</p>	<p>داشتم داشتی داشت ...</p>
---	---	-----------------------------------	--

<p>دارم می روم، داریم می رویم داری می روی، دارید می روید دارد می رود، دارند می روند</p>	}	<p>مضارع مستمر + مضارع اخباری</p>	<p>دارم داری دارد ...</p>
---	---	-----------------------------------	--

کاربرد زمان افعال

سال گذشته درباره شیوه ساخت افعال در زمان های گوناگون سخن گفتیم. اکنون به برخی از کاربردهای زمان ها اشاره می کنیم :

ماضی ساده

برای بیان کاری که در گذشته به طور کامل انجام گرفته است :

* - الف) فعل هایی که از مصدر «بودن و داشتن» بدون پیشوند «می» و «ب» می آیند، مانند «هست و دارد» استثنا هستند.
 ب) فعل های است و هست از نظر زمان، مضارع هستند.

وقتی خورشید صبح یکشنبه، پنجم جمادی الآخر سال ۶۷۲ پلک های خود را گشود، مولانا جلال الدین، چشمان پر نور خود را بر قونیه فرو بست و به شمس پیوست.

ماضی استمراری

الف) برای بیان کاری که در گذشته به صورت پیوسته ادامه داشته یا بارها تکرار شده است.
ما قرن ها با همسایگان خود در صلح و صفا می زیستیم.
هر بار که طوفان حادثه ای به ما می رسید، بالنده تر قد بر می افراشتیم.

ماضی بعید

برای بیان کاری که در گذشته پیش از کار دیگر اتفاق افتاده است :
وقتی سپاه نادر به اصفهان رسید، اشرف و یارانش این شهر را غارت کرده بودند.

ماضی التزامی

برای بیان کاری در گذشته همراه با احتمال، الزام و آرزو :

انسان متمدن امروز مضرت های زیاده جویی و خودخواهی را دریافته باشد.

}	شاید کاش باید
---	---------------------

ماضی نقلی

الف) برای بیان کاری که در گذشته انجام گرفته، اینک اثر و نتیجه آن مورد نظر است :
در سال های اخیر جوانان ما در صحنه بیکارهای علمی بین المللی موفقیت های بزرگی کسب کرده اند.

ب) برای بیان کاری که گوینده، شاهد آن نبوده است و صورت نقل قول دارد :
سیل از کوه سرازیر شده و خانه ها را خراب کرده است.

ماضی مستمر

برای بیان کاری که در گذشته، هم‌زمان با کاری دیگر صورت گرفته است :
داشتیم برمی‌گشتیم که حسن وارد شد.

مضارع اخباری

الف) برای بیان حقایق کلی و مطالب علمی :
آب در گرمای صد درجه می‌جوشد. آهن در مجاورت رطوبت زنگ می‌زند.
ب) برای بیان کاری که اکنون در حال انجام است :
چه می‌کنی؟ کتاب می‌خوانم.
پ) همچنین برای بیان کاری که در آینده انجام خواهد گرفت، از این فعل استفاده می‌شود :
تابستان آینده به مسافرت می‌رویم (= خواهیم رفت).

مضارع التزامی

برای بیان احتمال، الزام و آرزو در آینده :

شاید }
باید } باران بیارد.
کاش }

مضارع مستمر

برای بیان کاری که هم‌اکنون در حال جریان است :
قافله تمدن بشری به کجا دارد می‌رود؟

آینده

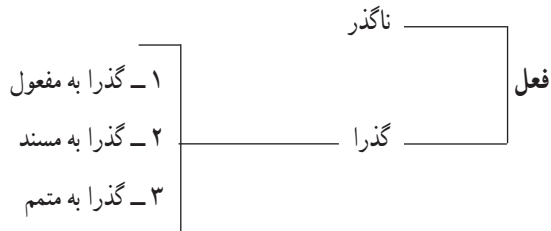
برای بیان کاری که از این پس انجام خواهد گرفت :
آزادی و آفتاب هم‌ریشه‌اند و در صورت نبود هر یک از آنها، حیات نابود خواهد شد.

فَعَالِيَّت

از مصدر «نوشتن»، همهٔ زمان‌ها را بسازید و دربارهٔ کاربردهای گوناگون آنها گفت‌وگو کنید.

(۳) گذر

فعل ممکن است ناگذر یا گذرا باشد :



یادآوری : گاهی از مصدرهای شکستن، ریختن، پختن، بریدن، گداختن، گسستن و ... فعل‌هایی ساخته می‌شود که هم گذرا و هم ناگذر هستند بدون آنکه تغییری در ساخت و معنای آنها ایجاد شود. مانند : آب ریخت. / گربه آب را ریخت. به این افعال دو وجهی می‌گویند.

(۴) وجه

به جمله‌های زیر دقت کنید :

- جملهٔ یکم : پرویز به خانه می‌رود. وقوع فعل از نظر گوینده مسلم است.
 - جملهٔ دوم : شاید پرویز به خانه برود. وقوع فعل از نظر گوینده نامسلم است.
 - جملهٔ سوم : به خانه برو. وقوع فعل جنبهٔ فرمان یا خواهش دارد.
- این سه کارکرد فعل را وجه فعل می‌گوییم و آنها را به ترتیب اخباری، التزامی و امری می‌نامیم.

وجه اخباری

اگر گوینده وقوع فعل را به صورت مسلم و قطعی مطرح سازد، فعل از وجه اخباری است.

جز فعل امر و دو ساخت **ماضی التزامی** و **مضارع التزامی** ساخت سایر زمان‌های فعل‌ها، از **وجه اخباری** است.

وجه التزامی

اگر گوینده، فعل را به صورت نامسلم یا احتمال و آرزو و الزام مطرح کند، فعل از **وجه التزامی** است و ساخت‌های ماضی التزامی و مضارع التزامی برای آن به کار می‌رود:

□ ماضی: (اخباری) **پرویز در امتحان ورودی موفق شد** ← (التزامی) **کاش پرویز موفق شده باشد.**

□ مضارع: (اخباری) **پرویز در امتحان ورودی موفق می‌شود** ← (التزامی) **کاش پرویز موفق شود (بشود).**

وجه امری

اگر گوینده، وقوع فعل را به صورت امر، خواهش و فرمان مطرح کند، فعل از **وجه امری** است.

کتاب را بردار. قدر مادر و پدر خویش را بدان. خدایا، مرا ببخش.
فعل امر برخلاف وجه اخباری و التزامی، پرسشی نمی‌شود.
فعل امر (وجه امری) تنها دو ساخت (صیغه) دارد:

دوم شخص مفرد ب+ بن مضارع + Ø	دوم شخص جمع ب+ بن مضارع + ع+ ید
بنویس	بنویسید
برو	بروید
بنشین	بنشینید

بیاموزیم

جملات زیر را با هم مقایسه کنید:

نامه را به وسیله پست سفارشی برایش فرستادم.	}	الف
به منظور بازدید از نمایشگاه کتاب، کلاس تعطیل شد.		
نامه را با پست سفارشی برایش فرستادم.	}	ب
برای بازدید از نمایشگاه کتاب، کلاس تعطیل شد.		



به کار بردن «با» و «برای» در جمله، از «به وسیله» و «به منظور» مناسب تر است؛ زیرا جمله کوتاه تر می شود و پیام زودتر به شنونده و خواننده منتقل می گردد. زبان ها و از جمله زبان فارسی با گذشت زمان، خلاصه تر و کوتاه تر می شوند؛ بنابراین، اقتضای زبان فارسی امروز این است که از میان کلمات مترادف، کلمه ساده تر و کوتاه تر را انتخاب کنیم.

خودآزمایی

۱) زمان و کاربرد و وجه فعل هایی را که در متن زیر مشخص شده اند، بنویسید.

موشی بر لب چشمه ای وطن ساخته بود. غوکی نیز در آن نزدیکی در آب به سر می برد. غوک گاه و بی گاه از آب

بیرون می‌آمد و آواز می‌خواند. موش از آواز غوک لذت می‌برد. بدین ترتیب با هم دوست شدند. روزی موش به غوک گفت هرگاه می‌خواهم غم دل با تو بگویم تو در آب هستی. غوک گفت: راست می‌گویی. من نیز هرگاه به در خانه تو می‌آیم تو از سوراخ دیگر بیرون رفته‌ای، چاره‌ای بیندیش. موش گفت: رشته‌ای دراز پیدا خواهیم کرد، یک سر آن را به پای تو و سر دیگر آن را به پای خود خواهیم بست تا همیشه از حال تو باخبر باشیم.

روزی موش بر لب آب آمد تا غوک را بطلبد. زاغی موش را دید و به چنگال گرفت. چون پای موش با رشته به پای غوک بسته بود غوک نیز واژگون به هوا رفت. مردمان با تعجب می‌گفتند: هرگز غوک شکار زاغ نبوده است. غوک با فریاد گفت که از شومی مصاحب ناام جنس بدین مبتلا شده است.

۲) درباره خط و نوشتار در زبان توضیح دهید. (در یک بند)

۳) به جای کلمات مشخص شده، کلمات کوتاه تری قرار دهید.

□ از سوی دوستم نامه‌ای آمد.

□ به چه علتی غایب شده است؟

□ به وسیلهٔ تاکسی به خانه رفتم.

□ به چه سبب به مدرسه نیامدی؟